گذری بر "از پیش انگاری" و "استلزام معنایی"

مجتبی علیزاده صحرایی

۱. مقدمه

در بحث از ارجاع دهی در جملات، این اعتقاد وجود دارد که برخی اطلاعات مهم به طور ضمنی در ذهن شنونده یا خواننده آن جملات وجود دارد. از آنجایی که این اطلاعات به طور ضمنی در ذهن موجود هستند، دیگر نیازی به بیان آنها در جمله نیست. دو عنوان معروف "از پیش انگاری" و "استلزام معنایی" موضوعاتی هستند که به این اطلاعات موجود در ذهن و مستتر نسبت داده می شوند. از پیش انگاری و استلزام معنایی موضوعاتی هستند که در حوزه کاربرد شناسی قرار دارند؛ البته رابطه آنها با معنی شناسی بسیار تنگاتنگ است.

اغلب بدلیل ماهیت منطقی استلزام معنایی، آن را در کاربردشناسی به طور مفصل مورد بحث قرار نمی دهند و موضوع از پیش انگاری که بستگی به گوینده دارد را به جای آن موشکافانه مورد بررسی قرار می دهند. از پیش انگاری مسئله ای مطرح در معنی شاسی است که در اواخر قرن ۲۰ به منطق نیز راه یافته است. از پیش انگاری موضوعی است که گوینده سخن قبل از بیان آن صحت یا کذب آن را در ذهن خود دارد. اما استلزام معنایی موضوعی است که به طور منطقی در جمله وجود دارد. در از پیش انگاری با محمول(گزاره) های مرتبه دوم سرو کار داریم که خود بسط داده شده محمول های دسته اول هستند. در جمله "مریم ویژگی عجیبی دارد." ویژگی داشتن برای مریم محمول دسته اول است که عجیب بودن آن ویژگی، بسط یافته آن است که به آن محمول دسته دوم می گویند.

۲. از پیش انگاری (Presupposition)

منطق دانان نظریه Polarity (truthfulness) را ارائه داده و گفته اند که جملات یا صدق هستند و یا کذب؛ یعنی جملات را دوقطبی می دانسته اند؛ نوعی رابطه متقابل(Contradiction) در این رابطه معنایی وجود دارد. زبانشناسان این نظر را با مثال هایی قبول نکردند و دست به دامان "از پیش انگاری" شدند. زبانشناسان بر این عقیده اند که جملاتی کذب یا صدق هستند که از پیش انگاری شان وجود داشته باشد، نه اینکه نتوان بر اساس آنها از پیش انگاری اختیار کرد. به طور کلی تا زمانی که ارزش صدقی را نتوانیم برای جمله ای پیدا کنیم، نمی توانیم صدق یا کذب بودن آن جمله را مورد محک قرار دهیم. این شرط "از پیش انگاری منطقی" نامیده می شود. پرسش "آیا سیگار کشیدن را ترک کردی؟" را در نظر بگیرید. به این سئوال دو گونه می توان پاسخ داد، تنها با این پیش فرض که حتما فرد مورد خطاب پیش از سیگار میکشیده است. اما زمانی که فرد مورد خطاب اصلا سیگاری نباشد، نوعی نقصان ارزش صدقی پدید آمده و شرط از پیش انگاری منطقی از بین می رود (همانند شاه فرانسه طاس است). کوروش صفوی در کتاب "منطق در زبانشناسی" این گونه سوم ارزشی که علاوه بر صدق و کذب وجود دارد را ارزش صدق صفر (Zero) می نامد.

با این احتساب، تعریف از پیش انگاری اینگونه خواهد بود:

"اگر صدق گزاره p و یا کذب آن مورد سئوال باشد و شرط تعیین آن تعیین صدق و یا کذب q باشد، به گزاره q، از پیش انگاری p می گویند. مثلا در مثال بالا اینکه فرد مورد خطاب قبلا سیگار میکشیده، از پیش انگاری مورد نظر است."

در محیط روزمره طبیعی آنچه که مورد استفاده قرار می گیرد، از پیش انگاری منطقی نیست، بلکه از پیش انگاری کاربردی مورد توجه قرار می گیرد.

فرانک پالمر پس از تعریف از پیش انگاری توجه به صدق و کذب موضوع را مهم اعلام کرده است، نه باورهای گوینده و یا شنونده را. خطاهای نگرش به "از پیش انگاری" بر اساس "باورهای گوینده و یا شنونده":

۱. ممکن است به عمد گوینده بخواهد فرد را دچار سردرگمی و یا گمراهی سازد. مثال تست هوش معروف که آیا خروس روی پنبه تخم میگذارد، یا روی کاه و یا روی زمین مبین این موضوع است. مسلما اگر شنونده پیش از پاسخ دادن به این سئوال، از پیش انگاری "خروس تخم نمی گذارد" را نداند، پاسخی اشتباه به این سئوال خواهد داد.

۲. هیچگاه به رفتار زبانی یک گوینده خاص توجه نداریم، برای مثال ما نباید ملاک را بر کسی قرار دهیم که مثلا سیب زمینی را به "آلو" ارجاع می دهد (ساکنین استان فارس به سیب زمینی آلو می گویند).

۲-۱.ارزش صدق از پیش انگاری

مثال زیر را در نظر بگیرید:

P: *شوهر مریم دبیر است.*

q: *مریم شوهر دارد.* (از پیش انگاشته)

p		q
ص	⇨	ص
ک	⇨	ص
ک/ص	⇦	ص

زمانی که گزاره اول صدق باشد، گزاه دوم نیز است، زمانی که گزاره اول کذب باشد همچنان گزاره دوم صدق خواهد بود، اما اگر گزاره دوم صدق باشد، آنگاه ممکن است گزاره اول صدق یا کذب باشد.

۲-۲.انواع از پیش انگاری

۱. بالقوه *potential*

به رابطه میان کلمه ها، عبارات و ساخت ها و نحوه استفاده شان که در بافت های موقعیتی مختلف، متفاوت هستند گفته می شود.(به طور بالقوه در ذهن هر انسانی وجود دارد)

۲. وجودی *existential*

معمولاً رابطه میان مضاف و مضاف الیه چنین رابطه ای را متداعی می سازد که در سطحی گسترده تر، هر گروه اسمی معرفه جزو این دسته هستند.

دوچرخه نادر خراب شده است. ⟸ نادر دوچرخه دارد.

شهر تهران در ایران است. ⟸ تهران شهر است.

در آن محمولی (گزاره ای) به یک ثابت درون جمله نسبت داده می شود.

۳. وقوعی **factive**

صفوی به این نوع از پیش انگاری، وقوعی می گوید که نگارنده بر این عقیده است که این تعبیر از آن حیث صحیح می نمایاند که در منطق، Fact را یک واقعیت می دانند و نه حقیقت و تفاوت حقیقت و واقعیت در این است که هز حقیقتی ممکن است به آن واقعیت(در عمل) منتج نشود. افعالی چون *درک کردن*، *دانستن*، *آگاه بودن از* در جمله، چنین از پیش انگاری ای را می سازند.

همه می دانند که علی خوشحال است. ⟸ *علی خوشحال است.*

چه عجب که هوا صاف شد. ⟸ *هوا صاف شد.*

مادر زهرا برایش جشن تکلیف گرفت. ⟸ *زهرا ۹ سالش شد.*

در این نوع، گزاره درون جمله به وقوع یک ویژگی اشاره دارد.

۴. واژگانی **lexical**

برخی واژگان، سوای معانی خاصی که به جمله منتقل می کنند، از پیش انگاری های خاصی مرتبط با گوینده را نیز به شنونده می رسانند. در این نوع از پیش انگاری، انگاره پیشین چیزی است که پیش از جمله واقع شده باشد و حال مستتر است.

دوباره *که دیر آمدی!* ⟸ *قبلا نیز دیر آمده بودی.*

آیا برشی ***دیگر*** *از کیک می خواهی؟* ⟸ *حداقل یک برش کیک خورده ای.*

به سوی موفقیت ***گام برداشتی.*** ⟸ *تلاش خود را کردی.*

۵. ساختاری structural

این گونه از پیش انگاری که یول در کتاب معنی شناسی خود آورده است، را می توان در دسته های دیگر از پیش انگاری نیز جای داد. در این نوع از پیش انگاری، بخشی از جمله مورد نظر، خود از پیش انگاشته می شود. برای مثال، اگر از شما سئوال شود که *"وقتی اون ماشین از چراغ قرمز رد شد، چقدر سرعت داشت؟"* مسلما از پیش انگاشته ای با این محتوا وجود دارد که *"اون ماشین از چراغ قرمز رد شده"* که این بخش ساختاری در مجمله مورد نظر این نوع از پیش انگاری است.

۶. غیر وقوعی non-factive

برخی افعال هستند که در حقیقت معنای منفی را به جمله وارد می سازند. افعالی چون *تصور کردن*، *انتظار داشتن* و *آرزو داشتن* از این دسته اند.

تا حالا فکر می کردم که آدم با جنبه ای هستی. ⟸ *الان فهمیدم که نیستی.*

کاش میشد پول بیشتری داشتم (تا میتونستم این کتابو بخرم) ⟸ *پولم کَمه.*

۷. وقوعی متقابل counter-factual

در این نوع، علاوه بر اینکه موضوع از پیش انگاشته شده درست نیست، بلکه مغایر با آن چیزی است که درست است؛ یعنی چیزی خلاف حقیقت. اغلب این جملات با *اگر* آغاز می شوند.

تو اگه دوستم بودی، مجبورم میکردی که درس بخونم. ⟸ *تو دوستم نیستی.*

۸. مقوله ای categorial

الف) مسعود به من نگاه می کند.

ب) کفش مسعود به من نگاه می کند.

در مورد صدق یا کذب بودن جمله ب باید گفت که ما در اینجا با دو مقوله روبرو هستیم: دامنه (domain) و مصداق(reference). دامنه چیزی است که ویژگی گزاره بتواند به آن برگردد. مثلا در مثال بالا نگاه کردن به تمام چیزهایی برمیگردد که چشم دارند. مصداق همان چیزی است که در دنیای خارج مورد نظر ماست و صدق گزاره را تعیین می کند. به طور کلی اگر واحد منسوب به گزاره درون منطقه مصداق قرار گیرد، جمله صدق است. مثلا در جمله بالا اگر واقعا مسعود به من نگاه کرده باشد، آنگاه جمله صدق خواهد بود. اما اگر واحد منسوب به گزاره درون دامنه و خارج از مصداق باشد، آنگاه آن کذب است. مثلا ماهی در دامنه نگاه کردن قرار دارد، اما ممکن است مصداق جمله نبوده باشد. اما اگر واحد منسوب به گزاره بیرون دامنه قرار بگیرد، دیگر از ارزش صدق برخوردار نیست. مثلا در جمله ب کفش مسعود به دامنه نگاه کردن تعلق ندارد و از ارزش صدق برخوردار نیست. منطقدانان این نوع از پیش انگاری را همان استلزام معنایی دانسته اند.

باید در نظر داشت که جملاتی چون *نادر به بچه اش شیر می دهد* تنها با این از پیش انگاشته صدق است که بچه نادر شیر خشک می خورد. چون نادر در دامنه شیرده ها نمی باشد. در این مثال با موردی به نام استنتاج (inference) روبرو هستیم. رابطه استنتاجی را به کمک مثال زیر می توان توضیح داد:

الف) نادر یا عربی می خواند یا زبان.

ب) نادر عربی نمی خواند.

ج) نادر زبان می خواند.

هر یک از جملات الف و ب را مقدمه (premise) و جمله ج را نتیجه (conclusion) می نامند و به رابطه میان آنها استنتاج. مثالی چون:

الف) هوشنگ و سعید ورزشکارند.

ب) هوشنگ کشتی گیر است.

ج) سعید وزنه بردار است.

دیگر استنتاج نیست، چونکه نمی توان با مقدمه های الف و ب به ج رسید، حتی اگر از قبل نیز بدانیم که سعید وزنه بردار است. حال جمله نادر به بچه اش شیر می دهد را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) نادر به بچه اش شیر می دهد.

ب) انسان مذکر فقط می تواند به بچه اش شیر خشک بدهد.

ج) نادر انسان مذکر است.

د) بچه نادر شیر خشک می خورد.

معمولا در تحلیل کاربرد شناختی از پیش انگاری از شرایط بجایی (felicity conditions) سخن می گویند که محک جمله با بافت یا موقعیتی خاص است. مسئله بجایی موضوعی است که در قسمت کارگفت ها، در مورد آرای آستین، مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال جمله من شما را به ۵ سال حبس محکوم میکنم زمانی بجاست که فرد گوینده توانایی به زندان محکوم کردن شخص را داشته باشد. شرایط بجایی جمله، شرایطی هستند که برای کارایی جمله باید برآورده شوند.

۳. استلزام معنایی (Entailment)

استلزام منطقی را زبانشناسان از آرای منطق دانان، پایه ای از ارسطو و به طور ویژه راسل، مورد بررسی قرار دادند. این رابطه را با "اگر...، آنگاه..." بیشتر می شناسند. در استلزام مفهوم یک جمله مستلزم مفهوم جمله ای دیگر است:. رابطه استلزام را در مثال های زیر می بینید:

حسن در تصادف کشته شد. ⟸ *حسن مُرد.*

آن اسب حامله است. ⟸ *آن اسب ماده است.*

آن حیوان به بچه اش شیر می دهد. ⟸ *آن حیوان پستاندار است.*

این جملات همان طور که مشاهده می شود از طریق شرایط لازم و کافی واژه ها به یکدیگر مربوط می شوند.

در استلزام منطقی رابطه انتقال (transitive relation) وجود دارد، به این معنا که اگر جمله الف مستلزم جمله ب و جمله ب خود مستلزم جمله ج باشد، آنگاه جمله الف رابطه استلزامی با جمله ج خواهد داشت:

الف)خروس زری یه خروسه.

ب)خروس زری یه پرندست.

ج)خروس زری یه حیوونه.

نوعی شمول معنایی در این مثال دیده می شود.

در جمله بالا:

ب درست است، اگر الف درست باشد.

اگر الف درست باشد، امکان نداره که ب غلط باشه.

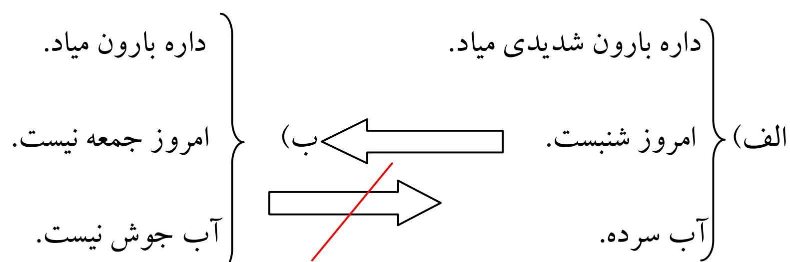
اگر ب غلط باشه، الف نمی تواند درست باشد.

اگر الف غلط باشد، ممکن است که ب درست باشد و یا غلط.

رابطه استلزام دو نوع است: متقارن و نا متقارن (ص=صدق، ک=کذب)

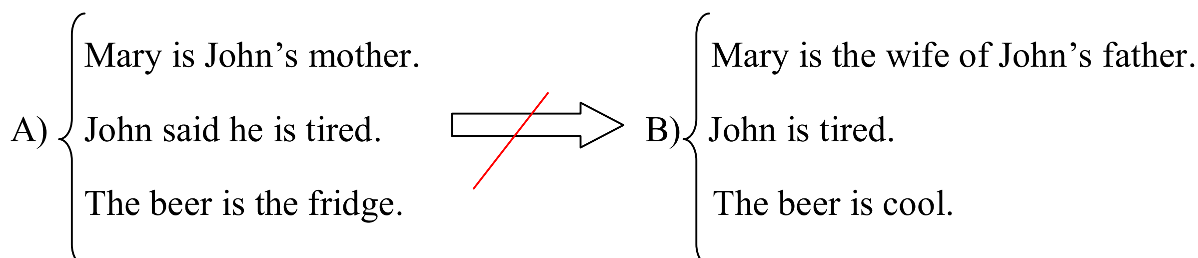
متقارن		**نا متقارن**	
گزاره الف	**گزاره ب**	**گزاره الف**	**گزاره ب**
ص	ص	ص	ص
ص	ک(ناممکن)	ص	ک
ک	ص(ممکن)	ک	ص(ممکن)
ک	ک	ک	ک

استلزام نامتقارن استلزامی است که در آن گزاره الف، گزاره ب را مستلزم خود می کند، بدون اینکه عکس آن صادق باشد. به مثال های زیر توجه کنید:



استلزام متقارن آن است که زمانی که گزاره الف، ب را مستلزم خود می کند، نقیض ب نیز نقیض الف را مستلزم خود بسازد.

در برخی جملات کار از استلزام فراتر می رود و بحث به دانش جهانی (world knowledge) معطوف می گردد:



در جملات بالا احتمالی وجود دارد که استلزام معنایی موجود در B را با گزاره های A ارتباط نمی دهد:

۱. ممکن است که والدین دیگر باید زندگی نکنند.

۲. ممکن است جان دروغ گفته باشد.

۳. ممکن است یخچال خاموش باشد و یا آبجو را همین چند لحظه پیش در یخچال قرار داده باشند.

۴. وجه تمایز از پیش انگاری و استلزام معنایی

۱. از پیش انگاری از طریق شرط لازم و کافی مفهوم واژه ها صورت نمی پذیرد. بلکه این استلزام معنایی است که ارتباطی تنگاتنگ با شرط لازم و کافی گزاره ها دارد:

گربه حسن زایید. ⟸ *گربه حسن ماده است.*

(شرط لازم و کافی برای زاییدن، ماده بودن گربه است. در نتیجه این مثال استلزام معنایی است.)

خواهر حسن ازدواج کرد. ⟸ *حسن خواهر دارد.*

(خواهر داشتن شرط لازم و کافی برای ماهست وجودی حسن نیست. در نتیجه از پیش انگاری است.)

ارتباط تنگاتنگ میان این دو رابطه معنایی سبب شده که منطقدانان بر خلاف زبانشناسان، استلزام معنایی را گونه ای از پیش انگاری (از پیش انگاری مقوله ای) تلقی کنند و دلایلی قانع کننده برای آن بیاورند (صفوی، ۱۳۸۰).

۲. در استلزام، همانطور که در قسمت صدق آن گفته شد، اگر جمله الف کذب باشد، نمی توان گفت یقینا جمله ب کذب است.

۳. از پیش انگاری موضوعی است که گوینده سخن قبل از بیان آن صحت یا کذب آن را در ذهن خود دارد. اما استلزام معنایی موضوعی است که به طور منطقی در جمله وجود دارد.

۴. در استلزام، صدق جمله اول نیازی به دانستن جمله دوم ندارد.

۵. تفاوت این دو رابطه معنایی عموما بستگی به برجسته سازی بخش های مختلف جمله داشته باشد. در استلزام معنایی اغلب گزاره های فعلی و یا محمول ها مورد برجسته سازی قرار می گیرند، درحالی که در از پیش انگاری آنچه که مورد توجه قرار می گیرند، گروههای اسمی هستند. از پیش انگاشته ها گستره های گوناگونی را شاملند که این موضوع در انواع گروههای اسمی اغلب به چشم می خورد (پالمر: ۲۴۸):

هوشنگ در *تصادف* ***کشته شد***. ⟸ هوشنگ ***مُرد***.

(آنچه که مورد تاکید قرار گرفته و تغییر نیز پیدا کرده است، گزاره است.)

هوشنگ در ***تصادف*** *کشته شد*. ⟸ هوشنگ ***تصادف*** *کرد*.

(آنچه که مورد تاکید قرار گرفته و ثابت مانده، گروه اسمی است.)

۶. آزمون منفی سازی: به طور کلی زبانشناسان بر این عقیده اند که اگر جمله اول هر جفت گزاره ای را منفی کنیم، با دو حالت روبرو هستیم:

الف) اگر جمله ب باز هم صدق کرد، آنگاه گزاره مورد نظر از پیش انگاری است.

ب) اگر جمله ب صدق نکرد، آنگاه گزاره مورد نظر استلزام معنایی است.

آزمون منفی سازی را به ویژه "ای کینن" مورد بررسی قرار داده است. آنچه که پالمر، مشکل منفی سازی کینن بیان داشته است، از قرار زیر است:

به مثال مقابل توجه کنید: John was/wasn’t worried by his wife’s infidelity.

معانی مختلف این جمله در حالت منفی عبارتند از:

- همسفر جان وفادار نبوده است.
- جان از بابت بیوفایی زن نگران نبوده است.
- جان از این بابت نگرانی نداشته، چراکه همسرش اصلا بیوفا نیست.

پالمر با بیان این موضوع که این جمله در حالت مثبتش از پیش انگاشته ای با محتوای بیوفا بودن زن دارد، ایراد مورد نظر را به این آزمون وارد کرده است. آنچه که نگارنده لازم می داند اضافه کند این است که این اشکال را تا زمانی می توان پذیرفت که ما جمله بالا را به عنوان یک از پیش انگاره بپذیریم. اما باید بدانیم که جمله بالا در حالت مثبت همان سه معنایی را دارد که در حالت منفی به آنها اشاره شده است. در حالت مثبت، بسته به مورد تاکید قرار دادن واژه های خاص، سه معنای مورد نظر به وجود می آید و نمی توان صددرصد این مثال را مثالی نقض برای آزمون منفی سازی دانست.

منابع

۱. پالمر، فرانک (۱۳۸۷).«نگاهی تازه به معنی شناسی.»، ک. صفوی (مترجم). نشر مرکز. تهران: کتاب ماد(کتاب اصلی در ۱۹۷۱ چاپ شد)

۲. صفوی، کوروش (۱۳۸۷). «درآمدی بر معنی شناسی.»، سوره مهر. تهران.

۳. صفوی، کوروش (۱۳۸۰). «منطق در زبان شناسی.»، سوره مهر. تهران.

۴. صفوی، کوروش (۱۳۸۰). «نگاهی به از پیش انگاری از دو چشم انداز.»، فصلنامه مفید. شماره ۲۸.

٥. Yule, George (١٩٩٦) Pragmatics. New York: Oxford University Press.

٦. Crystal, David. (٢٠٠٨). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. New York: Blackwell.